

نوجوان خود را بیشتر بشناسیم

سعادت عنبرزاده

تفاوت‌های فردی در رفتار نوجوان

باید توجه داشت که تنوع و تفاوت خصوصیات شخصیتی در دوره نوجوانی ظاهر و بارز می‌شود، در نتیجه نحوه تربیت نوجوانان را باید با تنوع و تفاوت‌های فردی آنان سازگار و متناسب ساخت. به عبارت ساده‌تر نباید بانوجوان آتشین مزاج و خیالباف به همان شیوه رفتار کرد که با یک نوجوان پرشور و بلغمی مزاج رفتار می‌شود. بنابراین مربی در ارتباط با چنین نوجوانانی باید آگاه باشد که هر کدام از آنان به کدام دسته یا تیپ تعلق دارند. در واقع مربی باید تمایلات، علائق و خصوصیات فردی هر نوجوانی را که با او سروکار دارد بشناسد تا بتواند اقدامات لازم را در مورد او به کار گیرد. البته تعیین اینکه فلان فرد به کدام گروه تعلق دارد و یا اینکه تمایلات و خصوصیات شخصیتی او چگونه است، کار دشواری است و نمی‌توان به نحوه کلی و انتزاعی اکتفا کرد، بلکه باید کوشید تا جنبه بدیع و بی‌همتای شخصیت نوجوان مورد مطالعه قرار گیرد. این نکته را نیز باید در نظر داشت که جنبه‌های مختلف تربیت در این دوره نسبت به دوره پیش، یعنی دوره



می شود.

تمایل به استقلال و ابراز قدرت، تمایل به گروه و فعالیت‌های جمعی و مخالفت که در بعضی مواقع ممکن است حتی بی جهت باشد، از جمله تغییراتی است که در سنین نوجوانی بروز می‌کند. این تغییرات از نظر روان‌شناسان یک معنی دارد و آن این است که نوجوانان می‌خواهند به یک نوع ثبات شخصیت برسند و خود را آنچنان نشان دهند که میل دارند باشند. اما گاهی آنچه را که در باره خود تصور می‌کنند با حقیقت مطابقت ندارد، در نتیجه مریان و معلمان باید سعی کنند نوجوانان را با واقعیتها آشنا سازند تا در طی مراحل پرفراز و نشیب زندگی دچار شکست روانی نشوند. وظیفه عمده مدارس آن است که به کودکان و نوجوانان کمک کنند تا به قدرتهای حقیقی خود پی برده، شخصیت خود را بشناسند.

عوامل مؤثر در رشد اجتماعی نوجوانان

مؤسسات و نهادهای مختلف آموزشی در رشد اجتماعی نوجوانان نقش مؤثری دارد، ولی تنها این گونه مؤسسات و نهادها عهده‌دار تربیت نوجوانان نیست، بلکه در جوامع مختلف، اعم از جوامع شهری، صنعتی، روستایی و غیره افراد تربیت اولیه خود را از خانواده می‌گیرند. والدین، برادران، خواهران و اطرافیان فرد نقش مؤثری حتی در طریقه راه رفتن، حرف زدن، تشخیص خوب از بد و سایر رفتارها به عهده‌دارند. البته هرچه کودک به سنین بالاتر می‌رسد مقدار زیادی از دانش، افکار، عقاید، تمایلات و خصوصیات شخصیتی خود را از دوستان، معلمان، هنرپیشه‌های تلویزیون و

کودکی تفاوت اساسی دارد. به گفته "استانلی هال"^۱ این مرحله دوران طوفان و فشار است. بنابراین آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد تربیت منش و شخصیت نوجوان است و تربیت عقلی نوجوان در مرحله بعدی قرار می‌گیرد.

رشد اجتماعی در دوره نوجوانی

از نظر روان‌شناسان، پانزده سالگی اهمیت بسیار زیادی دارد، مخصوصاً در جامعه ما که پانزده سالگی سن انتخاب رشته تحصیلی است و در واقع در این سن نوجوان راه آینده خود را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر نوجوان تصمیماتی می‌گیرد که برای وی نقش سرنوشت سازی دارد. باید توجه داشت که عوامل اجتماعی و روانی بسیاری در اخذ این تصمیمات دخالت دارد. گاه محدودیتها و فشارهای اجتماعی نوجوان را به عقب می‌راند و گاه نیروهای دیگر به پیشرفت او کمک می‌کند و در این میان بحران تصمیم گرفتن به وجود می‌آید. توجه به این نکته حائز اهمیت است که نوجوان تمایل دارد رشد کند و از طرف دیگر دوست دارد که در عالم کودکی باقی بماند. به هر حال براساس آنچه که در اتخاذ تصمیم و گرایش او به سوی یکی از دو راه تحصیل یا کار مؤثر است، یکی را بناچار انتخاب خواهد کرد. در این مواقع می‌توان به نقش مهمی که والدین و دوستان در تصمیم‌گیری نوجوانان به عهده دارند پی برد. چه بسا نوجوانانی یافت می‌شوند که بر سردو راهی و حتی چند راهی قرار گرفته‌اند و این دوگانگی در عادات، اخلاق و سرانجام در همه خصوصیات آنها دیده



و معیارهای اخلاقی را به عهده دارند و کودکان چنین نگرشها و اعتقادات را نه تنها از طریق آموزش مستقیم و تقلید، بلکه از طریق همانندسازی با والدین خود و درونی کردن نگرشها و اعتقادات آنها، فرامی‌گیرند. تأثیر این نگرشها و اعتقادات راسی‌توان در موقع بازی بچه‌ها و میزان سازگاری و ناسازگاری آنان تشخیص داد.

همسالان نیز نقش مؤثری در شکل‌گیری شخصیت، رفتار اجتماعی، ارزشها و نگرشهای یکدیگر دارند. کودکان از طریق سرمشق‌دهی اعمالی که قابل تقلید است، با تقویت یا تنبیه پاسخهای خاص و با ارزشیابی فعالیت‌های یکدیگر و رفتار منحصر به فردی که در پیش می‌گیرند، در یکدیگر تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این روابط میان همسالان تأثیرات نه‌چندان آشکاری نیز در رشد شخصیت کودکان دارد. برای مثال، بدون شک موقعیت کودکان در میان همسالان و دوستی‌هایی که برقرار می‌کنند در

سینما، رادیو، سیاستمداران، پیشوایان مذهبی، کتب، جراید و روزنامه‌ها و... می‌گیرد. در حقیقت روشهایی که والدین برای اجتماعی کردن کودکان خود به کار می‌گیرند بشدت تحت تأثیر محله، مدرسه، خرده فرهنگ و فرهنگ گسترده‌تری که خانواده در آن زندگی می‌کند قرار دارد و این روشها می‌تواند بر روی خصوصیات رفتاری کودک تأثیر بگذارد!

اگر رفتار والدین را در جریان ارتباط متقابل با فرزندان مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، به چگونگی تأثیر خانواده در رشد اجتماعی نوجوانان پی خواهیم برد. بطور مثال والدین برای رفتارهایی مثل دعوای بچه‌ها و یا همبازی شدن آنها با یکدیگر، تنبیه و پاداش تعیین می‌کنند و کودکان نیز می‌آموزند که چه کارهایی آنها را به پاداش نزدیک می‌کند و چه کارهایی پیامدهای تنبیه شدن را به دنبال خواهد داشت. به عبارت ساده‌تر والدین برای کودکان نقش سرمشق و مربی نگرشها، اعتقادات، تمایلات

حرکت کرده، تصادم و برخوردی با وی نداشته باشند و ضمن مراقبت از وی، آزادی عمل او را سلب نکنند. در ضمن گردش با دوستان، شرکت در اردوهای جمعی و فعالیتهای دسته جمعی در صورتی که تحت نظارت یک مربی لایق صورت پذیرد، می تواند در پرورش شخصیت اجتماعی نوجوانان مفید واقع شود. البته مسؤلیت والدین در بررسی و انتخاب مربی، ناظر، همچنین نوع دوستان را نباید نادیده گرفت، زیرا هرگونه اهمال و شانه خالی کردن ممکن است زیانهای جبران ناپذیری را به بار آورد. خلاصه کلام اینکه چهار دسته از عوامل نقش مهمی را در رشد اجتماعی نوجوانان به عهده دارند که عبارتند از:

الف - تأثیر خانواده در رشد اجتماعی نوجوان

احساس اعتماد به نفس کودکان تأثیر می گذارد. هنگام ارزیابی این تأثیرات باید به خاطر داشته باشیم که روابط همسالان تحت تأثیر روابط اجتماعی بزرگتر یعنی خانواده، مدرسه و سایر گروههای سازمان نیافته است.

دوستها در دوره نوجوانی نیز بر اساس یک سلسله نیازهای اجتماعی و برای ایجاد روابط سالم و سازنده است. در این دوره شخصیت اجتماعی نوجوان در حال شکل گرفتن است و در نتیجه این گونه دوستها، نقش عمده ای در اجتماعی شدن آنان ایفا می کند. باید توجه داشت که وقتی نوجوانان دوستانی برای خود برمی گزینند، نسبت به آنان اعتماد پیدا می کنند و مایلند که پایه های دوستی خود را محکمتر سازند، لذا در صورت دخالت والدین ترجیح می دهند که به جانب دوستان خود بروند و از آنان حمایت کنند. بنابراین والدین باید بدانند در صورتی موفق خواهند بود که در کنار نوجوان



جامعه سالم، رشد و تکامل پیدا می‌کند و به طور صحیح برای محیط خارجی که بقیه مراحل عمرش را در آن طی خواهد کرد، آماده می‌شود. ولی اگر در خانواده نوجوان تشویش و اضطراب حکمفرما باشد، نوجوان به رشد صحیح اجتماعی دست پیدا نمی‌کند و در نتیجه فردی غیرعادی خواهد شد.

ب - تأثیر مدرسه در رشد اجتماعی

نوجوانان

هرکدام از ما بخوبی می‌دانیم که محیط اجتماعی مدرسه و سیعتر از محیط خانه است و بیش از آن تابع دگرگونیهای جامعه و دارای اختلاف زیادی با محیط خانه می‌باشد. از این رو در نظریات، عادات و عقاید نوجوان تأثیر بسزایی دارد، زیرا مدرسه پلی است که نوجوان از روی آن گذشته، پا به دنیای وسیع جامعه

رفتار نوجوانی که دوران کودکی خود را در فقر و بی‌چیزی پیموده است، با رفتار نوجوانی که تمام امکانات و انواع نعمتها برایش فراهم بوده است، یکسان نیست. چگونگی ارتباط کودک با والدین، خواهران، برادران و سایر اطرافیانش، همچنین اطاعت و یا آزادی او نسبت به گروه و طایفه‌ای که عضو آن است، همگی در رشد اجتماعی نوجوان مؤثر است. نوجوان در رشد و تکامل اجتماعی خود از فضای روانی حاکم بر خانواده و روابط موجود میان وی و افراد خانواده، متأثر می‌شود و به همین دلیل باید توجه داشت که شخصیت سالم، جز در محیطی که اطمینان، وفاداری محبت و الفت در آن معمول و حکمفرماست، ایجاد نمی‌شود. والدینی که به فردیت نوجوان خود احترام می‌گذارند، وی را به احترام به خود عادت می‌دهند و یاری می‌کنند که در میان مردم محترم باشد. در چنین وضعی نوجوان در یک



می‌گذارد.

۷- توانایی مشاهده مشکلات از طریقی که نوجوانان آنها را می‌بینند و از آنها متأثر می‌شوند

۸- متانت، اعتدال و احتیاط کاری

۹- ارتباط مستقیم با دانش‌آموزان

ج - تأثیر گروه همسالان در رشد اجتماعی

نوجوانان

در دوره نوجوانی گروه دوستان از افرادی تشکیل می‌شود که از حیث سن زمانی و عقلی به هم نزدیک هستند و میان خود نوعی وحدت ناگسستگی احساس می‌کنند. تعداد افراد این گروه از ده یا دوازده نفر بیشتر نمی‌شود. گاهی تأثیر این افراد از تأثیر خانه و مدرسه نیز افزون‌تر می‌گردد. بتدریج که نوجوان به رشد و کمال بیشتری نائل می‌شود از گروه خود کمتر پیروی می‌کند.

گروه همسالان، فعالیت‌های خاصی را دارند که آنها را از سایر اجتماعات مشخص و متمایز می‌سازد. به علاوه، انتخاب افراد گروه اصول و مقررات خاصی دارد که می‌تواند آثار خوب یا بدی را در روحیه افراد به جای بگذارد. فعالیت فرد در هر گروه از فعل و انفعال و ارتباط متقابل او با سایر افراد گروه، آداب و رسوم که گروه برای خود مقرر داشته است، عادات و تقلیدهایی که گروه برای افراد خود لازم می‌داند و فضای روانی که بر آن حکمفرماست، متأثر می‌شود. به همین خاطر نوجوان می‌خواهد که در پوشاک، زبان، لهجه، الفاظ و اسلوب (روش)، از دوستانش تقلید کند. گروه دوستان اصولاً از افرادی تشکیل می‌شود که هر یک در محیط فرهنگی خاصی رشد کرده‌اند.

ارتباط و دلبستگی نوجوان به معلم، تأثیر زیادی بر روی علایق، نگرشها، تفکرات و تمایلات وی به جای می‌گذارد، به همین خاطر هرچه ارتباط و علاقه نوجوان بیشتر شود، آثار و پیامدهای آن بارزتر و آشکارتر خواهد شد. این ارتباط و علاقه به اشکال و رنگهای گوناگون در می‌آید که اساس آن به شخصیت معلم، میزان ایمان معلم به شغل خود، مقدار درک و شناخت وی نسبت به مرحله نوجوانی و طریقه حل مشکلات آن بستگی دارد. چنانچه معلم نسبت به دانش‌آموزان امرو نهدی، تهدید، تعقیب و آزار و شکنجه اعمال کند، دانش‌آموزان را از خود دور ساخته، میان خود و آنها جدایی می‌اندازد و در نتیجه مورد محبت آنها قرار نمی‌گیرد. برعکس اگر معلم خوب و عادل باشد و همواره با دانش‌آموزانش همکاری صمیمانه داشته باشد و هنگام استمداد از او، هرگز به سرزنش آنان نپردازد، می‌تواند محبت و اعتماد دانش‌آموزان را به خود جلب کند. آزمایشهای "اندرسن"^۳ و "بریور"^۴ نشان می‌دهد که مهمترین صفات ضروری برای معلم موفق در ارتباطات اجتماعی عبارتند از:

- ۱- علاقه‌مند بودن به شغل خود و لذت بردن از آن
- ۲- اعتقاد به فعالیت و کار
- ۳- علاقه‌مند بودن به دانش‌آموزان و تمایل به کار با آنان
- ۴- قدرت ایجاد ارتباط با اطرافیان
- ۵- داشتن شناخت و آگاهی نسبت به تمام تحولات و دگرگونیهای شغل خود
- ۶- برخورد منطقی با مشکلات خود و دانش‌آموزان با کمال اطمینان و آرامش خاطر

ذکر مثالی اکتفا می‌کنیم. نوجوانی را در نظر بگیرید که به قهرمان یکی از تیمهای ورزشی علاقه‌مند است. این نوجوان در موقع دیدن قهرمان مزبور احساس شادی می‌کند و در تخیلاتش خود را با او می‌بیند، در حالی که با او شوخی می‌کند، غذا می‌خورد و یا به تمرین همان ورزش می‌پردازد. همچنین می‌توان مشاهده کرد که نوجوان در طرز برخورد، رفتار، لباس پوشیدن، نحوه غذا خوردن و حتی طرز صحبت کردن خود متأثر از قهرمان مطلوب خود است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که او به نوعی می‌خواهد احساس قدرت و اعتماد به نفس خود را تقویت کند، زیرا احساس حقارت و عدم اعتماد به نفس او را آزار می‌دهد. در اینجا قصد نداریم این گفته را تعمیم دهیم و بگوییم تمام نوجوانان دچار چنین حالتی هستند، بلکه فقط قصد داریم به این نکته مهم اشاره کنیم که عوامل ثانویه تا چه اندازه می‌تواند در خصوصیات شخصیتی نوجوانان تأثیر بگذارد.

پاورقیها:

1 - STANLEY HALL

۲ - محمد حسین فرجاد، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، صفحه ۴۴۰

3 - H.H.ANDERSON

4 - H.M. BREWER

اختلاف طبقاتی موجود در گروه، طبقات پایین را تحریک می‌کند که برای هم سطح بودن با طبقات بالا به فعالیتهای علمی و اجتماعی بیشتری بپردازند. به همین خاطر باید والدین، مسئولان مدارس و سایر افرادی که در رشد اجتماعی کودک و نوجوان نقش دارند، گروه دوستان و همسالان را به طور غیر مستقیم و از دور، زیر مراقبت خود قرار دهند و از رهبری و راهنمایی آنان غفلت نورزند تا هدف مطلوب از رشد اجتماعی نوجوان به دست آید.

د- سایر عوامل مؤثر در رشد اجتماعی

نوجوانان

تأثیرات آنی و عجیب رادیو، تلویزیون، سینما، کتابهای پلیسی، رمانها و حتی جراید روی نوجوانان، برهیچ کس پوشیده نیست. این عوامل در بعضی مواقع می‌تواند حتی تأثیرات عمیقی بر روی نوجوان به جای بگذارد و اگر نظارت صحیحی بر روی هریک از موارد ذکر شده به عمل نیاید، می‌تواند مشکلات عدیده‌ای را ایجاد کند. اما در کل تأثیرات این عوامل بر روی رشد اجتماعی نوجوان در مقایسه با تأثیرات والدین، معلمان و همسالان از اهمیت کمتری برخوردار است. به همین دلیل این گونه عوامل را می‌توان عوامل ثانویه نامید. در عین حال نباید فراموش کرد که نوجوانان دائماً در معرض برخورد با این عوامل ثانویه قرار دارند و در نتیجه این برخوردها، حفره‌هایی که احتمالاً در شخصیت یک نوجوان وجود دارد به وسیله این عوامل متأثر شده و پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت. برای روشن شدن این مطالب به